

۱. با استفاده از مدل توسعه انسانی (HDI)، تحلیل کنید که چگونه عدالت اجتماعی می‌تواند در چارچوب برنامه‌ریزی توسعه پایدار گنجانده شود. چه تفاوت‌هایی میان تمرکز صرف بر رشد اقتصادی و توسعه انسانی وجود دارد؟
۲. در برنامه‌ریزی پیشرفت، مفهوم «عدالت فضایی (Spatial Justice)» چه جایگاهی دارد؟ در یک سناریوی فرضی، عدم رعایت عدالت فضایی چه پیامدهایی برای توازن منطقه‌ای ایجاد می‌کند؟
۳. مفهوم "توسعه متوازن" را در چارچوب مدل اسلامی پیشرفت تبیین نمایید. با بررسی یکی از اسناد بالادستی ایران، نحوه تلاش برای تحقق این نوع توسعه را ارزیابی کنید.
۴. الف) مفهوم «برنامه‌ریزی مبتنی بر عدالت» را تعریف کنید.
ب) مقایسه‌ای تحلیلی بین دو رویکرد برنامه‌ریزی مبتنی بر عدالت و برنامه‌ریزی تکنوکراتیک ارائه دهید.
۵. در مدل اسلامی ایرانی پیشرفت، عدالت یکی از ارکان اصلی برنامه‌ریزی تلقی می‌شود. با استفاده از مفاهیم قرآنی، تحلیل کنید که چگونه این دیدگاه با دیدگاه‌های سکولار در عدالت توزیعی تفاوت دارد.
۶. الف) شاخص ضریب جینی چیست و چگونه در تحلیل نابرابری کاربرد دارد؟
ب) در صورتی که کشوری دارای ضریب جینی ۰٫۵۵ باشد، چه پیامدهای اجتماعی و اقتصادی می‌توان برای آن پیش‌بینی کرد؟
۷. در نظریه عدالت جان رالز، اصل تفاوت چه نقشی در تنظیم برنامه‌های توسعه دارد؟ این اصل را با اصل «تساوی در فرصت‌ها» مقایسه و نقد کنید.
۸. با استفاده از مدل قدرت-دانش فوکو، تحلیل کنید چگونه نظام‌های دانشی می‌توانند در تدوین برنامه‌های توسعه به گونه‌ای جهت‌دار عمل کنند که به بازتولید نابرابری‌ها منجر شود.
۹. در برنامه‌ریزی برای پیشرفت، چگونه می‌توان بین رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفظ محیط زیست توازن برقرار کرد؟ با استناد به نظریه توسعه پایدار، این توازن را تحلیل نمایید.
۱۰. الف) تفاوت بین مفهوم «عدالت اجتماعی» و «عدالت اقتصادی» چیست؟
ب) یک سیاست ملی (مانند هدفمندی یارانه‌ها) را بررسی و تحلیل کنید که آیا توانسته به تحقق هر دو نوع عدالت کمک کند یا خیر.

۱. شاخص توسعه انسانی (HDI) بر سه بعد اصلی—امید به زندگی، تحصیلات و درآمد سرانه—تمرکز دارد. برخلاف تمرکز صرف بر تولید ناخالص داخلی (GDP)، HDI نشان می‌دهد که رفاه واقعی فراتر از رشد اقتصادی است. عدالت اجتماعی در این چارچوب به عنوان ابزاری برای تضمین فرصت‌های برابر در سلامت، آموزش و درآمد عمل می‌کند. در یک برنامه توسعه، اگر تنها بر رشد تمرکز شود، اقشار ضعیف‌تر همچنان از مزایای توسعه محروم می‌مانند.
۲. عدالت فضایی به توزیع عادلانه امکانات، خدمات و منابع در فضاهای جغرافیایی مختلف می‌پردازد. در سناریویی فرضی، تمرکز منابع در کلان‌شهرها باعث مهاجرت بی‌رویه از مناطق محروم می‌شود که منجر به نابرابری شدید، حاشیه‌نشینی و تخریب محیط‌زیست شهری خواهد شد. عدالت فضایی با توزیع متوازن سرمایه‌گذاری در مناطق مختلف، این مشکلات را به حداقل می‌رساند.
۳. توسعه متوازن در نگاه اسلامی بر هماهنگی بین ابعاد مادی، معنوی، فردی و جمعی تأکید دارد. در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران نیز تلاش شده توسعه انسانی، عدالت اجتماعی، اخلاق و معنویت در کنار پیشرفت علمی و اقتصادی لحاظ شود. این مدل، توسعه را صرفاً رشد فیزیکی نمی‌داند، بلکه تعالی انسان را در بستر جامعه هدف می‌گیرد.
۴. الف) برنامه‌ریزی مبتنی بر عدالت به معنای طراحی سیاست‌هایی است که توزیع منابع، فرصت‌ها و دستاوردها را به شکلی منصفانه بین گروه‌های مختلف اجتماعی تنظیم کند. ب) در مقابل، رویکرد تکنوکراتیک مبتنی بر داده‌ها و تحلیل‌های فنی است که گاه فارغ از ملاحظات اخلاقی و اجتماعی، تنها به کارایی توجه می‌کند. مقایسه این دو رویکرد نشان می‌دهد که عدالت محوری مستلزم توجه به ساختارهای قدرت و تاریخ نابرابری‌هاست.
۵. مدل اسلامی ایرانی پیشرفت، عدالت را نه فقط یک هدف اقتصادی، بلکه یک اصل اعتقادی می‌داند. آیات متعددی از قرآن کریم مانند «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ» (نحل: ۹۰) بر این اصل تأکید دارند. در حالی که نظریات سکولار مانند نظریه نوزیک، بر آزادی فردی بیش از توازن اجتماعی تأکید دارند، در مدل اسلامی، عدالت نوعی مسئولیت اجتماعی و اخلاقی است که با هدف تعالی جامعه تعریف می‌شود.

۶. الف) ضریب جینی عددی بین ۰ و ۱ است که هرچه به ۱ نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده نابرابری بیشتر در توزیع درآمد است.

ب) ضریب جینی ۰,۵۵ نابرابری شدید را نشان می‌دهد که می‌تواند منجر به افزایش جرم، کاهش سرمایه‌گذاری اجتماعی و بی‌اعتمادی عمومی شود. در چنین شرایطی، سیاست‌های بازتوزیعی و هدفمند برای کاهش فاصله طبقاتی ضروری است.

۷. اصل تفاوت در نظریه رالز بیان می‌کند که نابرابری‌ها تنها در صورتی قابل قبول‌اند که به نفع محرومان تمام شود. این اصل، برخلاف اصل تساوی در فرصت‌ها که تنها بر شرایط اولیه تأکید دارد، به پیامدهای واقعی سیاست‌ها توجه دارد. با این حال، منتقدان معتقدند اجرای اصل تفاوت نیازمند سیستم‌های قوی اجرایی و نظارتی است که در بسیاری از کشورها فراهم نیست.

۸. میشل فوکو معتقد است که قدرت از طریق تولید دانش عمل می‌کند. در برنامه‌ریزی توسعه، اگر دانش تخصصی تنها در اختیار گروه خاصی باشد، برنامه‌ها ممکن است به‌گونه‌ای تدوین شوند که منافع آن گروه تأمین شود. برای مثال، تأکید بیش از حد بر شاخص‌های مالی در برنامه‌ریزی، باعث نادیده گرفتن مسائل اجتماعی یا زیست‌محیطی می‌شود. به همین دلیل، مشارکت فراگیر در فرآیند تولید دانش توصیه می‌شود.

۹. نظریه توسعه پایدار بر سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تأکید دارد. برای ایجاد توازن، لازم است سیاست‌هایی مانند «مالیات بر کربن» (که هم درآمد ایجاد می‌کند و هم از آلودگی می‌کاهد) یا «یارانه برای آموزش محرومان» (که هم رشد انسانی و هم عدالت را تأمین می‌کند) به کار گرفته شوند. غفلت از هر یک از ابعاد، منجر به توسعه ناپایدار و بحران‌های بلندمدت خواهد شد.

۱۰. الف) عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی مفاهیمی نزدیک اما متفاوت هستند. عدالت اجتماعی ناظر بر برابری فرصت‌ها، دسترسی به خدمات عمومی، حقوق شهروندی، آموزش، سلامت و مشارکت در زندگی اجتماعی است. این مفهوم تلاش می‌کند تا موانع ساختاری را برای اقشار محروم حذف کند. در مقابل، عدالت اقتصادی به توزیع درآمد، ثروت و فرصت‌های اقتصادی می‌پردازد و به دنبال این است که هیچ گروهی از منابع و منافع اقتصادی جامعه محروم نماند. عدالت اجتماعی پایه‌ای فرهنگی، سیاسی و ساختاری دارد؛ در حالی که عدالت اقتصادی بیشتر بر شاخص‌های کمی مانند درآمد، مالیات و اشتغال تمرکز دارد.

ب) سیاست «هدفمندی یارانه‌ها» در ایران که از سال ۱۳۸۹ اجرا شد، با هدف تحقق عدالت اقتصادی و کاهش نابرابری در بهره‌مندی از یارانه‌های انرژی طراحی شد. این سیاست در گام اول با حذف یارانه‌های انرژی و پرداخت نقدی به خانوارها تلاش کرد بازتوزیع منابع را به نفع دهک‌های پایین‌تر انجام دهد. اما به دلیل اجرای ناقص، تورم بالا، نبود نظام شناسایی دقیق دهک‌ها، و توزیع یکنواخت یارانه نقدی، نه تنها عدالت اقتصادی را به‌طور کامل محقق نکرد، بلکه در برخی مناطق و گروه‌ها نابرابری را تشدید کرد. همچنین چون سیاست‌های مکمل در حوزه‌های آموزش، سلامت و اشتغال تقویت نشدند، عدالت اجتماعی نیز تحت تأثیر منفی قرار گرفت. به‌طور کلی، اجرای این سیاست نشان داد که دستیابی به عدالت اجتماعی و اقتصادی تنها با ابزارهای مالی ممکن نیست، بلکه نیازمند سیاست‌های چندبُعدی و هماهنگ در حوزه‌های مختلف توسعه است.